

در اواخر سال ۱۴۰۰، تنش میان دو کشور روسیه و اوکراین به صورت روزافزونی افزایش یافت که با تحریک حامیان غربی دولت اوکراین و تحقق نیافتن مطالبات روسیه مبنی بر ارائه تضمین‌های امنیتی و عدم عضویت اوکراین در ناتو، در اسفند همان سال، روسیه به اوکراین حمله نظامی کرد. این جنگ که وارد مرحله فرسایشی شده است، پیامدهای گسترده‌ای دارد که مهم‌ترین آن، تأثیر بر نظم کنونی بین‌المللی است.

نظم فعلی در نظام بین‌المللی، که از آن با عنوان «نظم بین‌المللی قاعده‌محور» یاد می‌شود، مدت مدیدی است به تزلزل و افول دچار شده است. این نظم که به طور عمده هم‌ارز با نظم لیبرال بین‌الملل‌گرا نیز دانسته می‌شود، به موجب اقدامات یک‌جانبه قدرت‌های بزرگ و به خصوص ایالات متحده آمریکا و استانداردهای دوگانه آن‌ها در اعمال هنجارها و ارزش‌ها، به ضعف کارکردی دچار شده و نهادهای بین‌المللی تعریف شده در ذیل آن، اهمیت همکاری جمعی و درنهایت مشروعیت آن به صورت روزافزونی تحلیل یافته است. در واقع این نظم فقط برای تأمین منافع برخی قدرت‌های غربی و به خصوص ایالات متحده آمریکا مؤثر بوده است و نه تنها منافع سایرین و خیر مشترک را نمی‌بیند، بلکه به ابزاری برای اقدام علیه امنیت سایر کشورها تبدیل شده و مفهوم قاعده‌مند بودن آن دچار تردید است.

با این حال، نباید نظم بین‌المللی قاعده‌محور را با نظم لیبرال بین‌الملل‌گرا یکسان دانست؛ زیرا نظم لیبرال به طور عمده به کشورهایی مرتبط است که در شکل‌گیری هسته اولیه آن‌ها مؤثر است و بر ارزش‌های لیبرال تأکید می‌کند؛ در حالی که نظم بین‌المللی قاعده‌محور به دنبال اصول دولت‌محور تکثرگرایانه و شامل تنوع سیاسی و فرهنگی است.

جنگ اوکراین مانند کاتالیزور و نقطه عطفی عمل کرد که به واسطه آن، نشانه‌های گذار و تحول در نظم بین‌المللی کنونی هویدا و به صورت جدی بررسی شد؛ بنابراین سؤال اصلی آن است که گذار به چه نظامی در حال وقوع است؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد آنچه در نظام بین‌المللی در حال وقوع است، گذار به جهانی چندنظمی است که در این جهان چندنظمی لزوماً نظم از بین نمی‌رود و حتی ممکن است نظم لیبرال فعلی همچنان به بقای خودش ادامه بدهد. اما مسئله آن است که این نظم، دیگر جهان شمول نخواهد بود و تغییر، بحران و رقابت را تجربه خواهد کرد. البته باید گفت که بحران اوکراین فقط اثری مخرب بر این نظم نداشته است، بلکه شوک ناشی از این بحران توانسته مشکلات نظم لیبرال را به آن متذکر شود و تاب‌آوری و تطابقش با واقعیت‌های موجود را تسریع و تقویت کند؛ نمونه‌های این امر را می‌توان در چرخش شدید آلمان در سیاست خارجی و تقویت توان دفاعی‌اش، تلاش سوئد و فنلاند در عضویت در ناتو، و فراندوم ۲۰۲۲ دانمارک

نظم بین‌المللی
قاعده‌محور، مدت
مدیدی است به
تزلزل و افول دچار
شده است. این
نظم که هم‌ارز
با نظم لیبرال
بین‌الملل‌گرا دانسته
می‌شود، به موجب
اقدامات یک‌جانبه
قدرت‌های بزرگ به
ضعف کارکردی
دچار شده و
نهادهای بین‌المللی
تعریف شده در ذیل
آن، اهمیت همکاری
جمعی و درنهایت
مشروعیت آن
به صورت روزافزونی
تحلیل یافته است.